

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۳۵، پاییز ۱۳۹۷، ویژه علوم سیاسی

مبانی فقهی تأمین رفاه عمومی، سطح گشایش در دولت اسلامی

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۴/۱۰

تاریخ تأیید: ۹۷/۰۶/۲۲

مهدی رنجبران*

چکیده

از جمله موضوعاتی که در دولت اسلامی مورد توجه متفکرین اسلامی و بعضاً مورد نقد و طعنه‌اندیشمندان غیر مسلمان قرار گرفته موضوع رفاه عمومی در دولت اسلامی بوده است. این موضوع در بین اندیشمندان مذاهب اسلامی به خصوص مذهب تشیع، نیز مورد تأمل و تبادل نظر قرار گرفته است. برداشت‌های متفاوت از میزان وظیفه و حدود دخالت دولت اسلامی در خصوص تأمین رفاه عمومی و همچنین نقدهای مختلف حول این موضوع باعث شده تا این موضوع مورد بررسی در این تحقیق قرار گیرد. در این پژوهش ضمن بررسی مبانی فقهی رفاه عمومی در دولت اسلامی در سطح گشایش، تأمین رفاه عمومی از منظر اسلام و بررسی مبانی فقهی سطح اسراف، از دیگر دغدغه‌های این پژوهش می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: رفاه، رفاه عمومی، دولت رفاه، اسراف، تبذیر، آرامش و آسایش.

* دانش آموخته کارشناسی ارشد فقه سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام.

مقدمه

انسان غالباً در اثر افزایش رفاه و راحتی خویش از خدای خویش غافل شده و به اسارت ظواهر دنیا گرفتار می‌شود. با افزوده شدن نعمت‌ها، شکر گذاری وی افزایش نداشته و بعضاً موجب طغیان وی می‌شود. «وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ، و اگر خدا روزی را بر بندگانش فراخ گرداند، مسلماً در زمین سر به عصیان بر می‌دارند^۱» و «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ، آن‌را آه اشتغنی، حقا که انسان سرکشی می‌کند، همین که خود را بی‌نیاز پندارد^۲» و «وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ، و چون به انسان نعمت ارزانی داریم، روی می‌گرداند و پهلوی تهی می‌کند^۳». به همین سبب بعضاً حد کفاف را مورد تشویق قرار داده و برای دیگران خواسته‌اند به همین حد کفاف بسنده کنند. مانند روایتی از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که فرمودند: «اللهم ارزق محمداً و آل محمد و من أحب محمداً و آل محمد العفاف و الكفاف». و همچنین در خطبه ۴۵ نهج البلاغه آمده: «و لا تسألوا فيها فوق الكفاف و لا تطلبوا منها أكثر من البلاغ، در دنیا بیش از کفاف نخواهید و از آن بیش از حد نیاز نطلبید».

آنچه باید گفت اینکه، اگر انسان خودسازی کرده، به گونه‌ای خود را تربیت و تهذیب کند که بالاترین رفاه و افزون شدن نعمت، آنها را مبتلا به سکر و مستی نعمت و به اصطلاح رفاه زدگی مبتلا نشود و رفاه آنان، موجب سلب حاکمیت انسان بر تمایلات نفسانی نگردد و در یک کلام موجب غفلت وی از خدا و یاد مرگ نگردد، حتی رفاه بیشتر، موجب شکر بیشتر و عبادت زیاده‌تر خداوند شود، نه تنها رفاه و راحت بیشتر مذموم نیست

۱. سوره شورا (۴۲)، آیه ۲۷.

۲. سوره علق (۹۶)، آیات ۶-۷.

۳. سوره اسراء (۱۷)، آیه ۸۳.

که مورد تشویق نیز هست. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، وَ أَكْرَمَ مَرْدَمَ شَهْرَهَا إِيْمَانِ أَوْرَدَهُ وَ بَه تَقْوَا كِرَائِيْدَهُ بُوْدُنْد، قَطْعًا بَرَكَاتِيْ از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم^۱» و همچنین: «لَعَلَّ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ، اِگَر وَاقِعًا سِپَاَسْكَزَارِي كَنِيد، [نعمت] شما را افزون خواهم کرد^۲». همچنین در روایتی از معصوم علیه السلام که می‌فرماید: «نعم المال الصالح للعبد الصالح، چه نیکوست مال شایسته برای بنده شایسته^۳».

در آموزه‌های معصومین علیهم السلام دارایی و ثروت، بهترین امکان برای زیست سالم و مهم‌ترین زمینه ساز عدالت اقتصادی است. در حکمت ۳۸۸ نهج البلاغه آمده است: «ألا و إن من النعم سعة المال و أفضل من سعة المال صحة البدن و أفضل من صحة البدن تقوى القلب، بدانید که فراخی و زیادی مال و دارایی از نعمت‌هاست، و از زیادی دارایی بهتر درستی و سلامت تن، و از سلامت تن بهتر پرهیزگاری و تقوای قلب است^۴». وسعت در دارایی امکان مناسبی برای سالم زندگی کردن و پرهیزگاری در زندگی است^۴، چنانکه امام علی علیه السلام در عهد نامه مالک اشتر، تأمین وسعت در زندگی را زمینه، زندگی مناسب و تقوا و پرهیزگاری در کارها بر شمرده‌اند: «ثُمَّ أَسْبِغْ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقَ فَإِنَّ ذَلِكَ قُوَّةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِصْلَاحِ أَنْفُسِهِمْ وَ غَنَى لَهُمْ عَنِ تَنَاوُلِ مَا تَحْتَ أَيْدِيهِمْ، آن گاه، روزی‌ها را به فراوانی بر سرشان فروریز، زیرا چنان کاری برای آنان نیرویی است که با آن خواستار اصلاح خود می‌شوند، و وسیله‌ای است برای بی‌نیاز کردنشان از دست درازی به دارایی‌هایی که در زیر دستشان دارند^۵». وسعت و توسعه در مال دارای آثار فردی و اجتماعی است.

۱. سوره اعراف (۷)، آیه ۹۶.

۲. سوره ابراهیم (۱۴)، آیه ۷.

۳. مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۳، ص ۶۲.

۴. پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹، ص ۲۱۱.

الف) آثار فردی وسعت در مال

۱) زمینه‌سازی زندگی شایسته انسانی برای شخص

۱-۱. پاسداشت حرمت و آبرو و حیثیت، آبرو و حیثیت افراد، در گرو بی‌نیازی وی از لحاظ مادی در زندگی است. دارایی و ثروت، وسیله‌ای خوب در این جهت می‌باشد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ أَفْضَلَ الْفِعَالِ صِيَانَهُ الْعَرِضِ بِالْمَالِ، بِيْ شَكِّ نِيْكَوْتَرِيْنَ كَارِهَا، بِاسْدَاثِ آبْرُو وَ شِرَافَتِ بِه وَ سِيْلَهِيْ مَالٍ وَ دَارَائِيْ اسْتِ^۱». «خَيْرُ أَمْوَالِكَ مَا وَقَى عَرَضَكَ، بِهْتَرِيْنَ دَارَائِيْ هَا آن اسْتِ كِه آبْرُو وَ حِيْثِيْتِ تُو رَا نِگِه دَارْد^۲».

۱-۲. ذخیره آخرت، بهره‌گیری درست و نیکو از مال و وسعت دارایی، ذخیره مناسبی برای آخرت است. امام علی علیه السلام: «إِنْ خَيْرِ الْمَالِ مَا أَوْرَثَكَ ذَخْرًا وَ ذَكَرًا وَ أَكْسَبَكَ حَمْدًا وَ أَجْرًا، بِيْ شَكِّ، بِهْتَرِيْنَ مَالٍ وَ دَارَائِيْ، آن اسْتِ كِه اِنْدُوخْتِه وَ نَامِ نِيْكَ بَرَايِ تُو بَرِ جَايِ گِذَارْدِ، وَ سْتَائِيْشِ وَ پَادَاشِ بَرَايْتِ بِه بَارِ آوَرْد^۳».

ب) آثار اجتماعی وسعت در مال

۱- ادای حقوق اجتماعی

حقوق اجتماعی زمانی به خوبی و شایسته ادا می‌شود که دارایی‌ها و ثروت‌ها به درستی در جامعه به گردش افتد و همگان از آن بهره‌مند شوند. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «فَمَنْ آتَاهُ اللّٰهُ مَالًا فَلْيَصِلْ بِه الْقَرَابَةَ وَ لِيُحْسِنْ مِنْهُ الصِّيَافَةَ وَ لِيُنْفِكْ بِه الْأَسِيرَ وَ الْعَانِيَّ وَ لِيُعْطِ

۱. کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۴۹.

۲. تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۶۷.

۳. تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۶۷.

مِنْهُ الْفَقِيرَ وَالْغَارِمَ وَ لِيَصْبِرَ نَفْسَهُ عَلَى الْحُقُوقِ وَ النَّوَائِبِ ابْتِغَاءَ الثَّوَابِ فَإِنَّ فَوْزاً بِهِذِهِ الْخِصَالِ شَرَفٌ مَكَارِمِ الدُّنْيَا وَ دَرَكٌ فَصَائِلِ الْآخِرَةِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، پس، آن که خداوند او را مالی بخشید، از آن به خویشاوندان خود رساند، و خوان مهمانی نیکو بگستراند، و اسیر را آزاد سازد، و رنجیده را بنوازد، و مستمند را بهره‌مند دارد، و وام وامدار بگزارد؛ و برای درک ثواب، خود را به شکیبایی وادارد، در تحمل بلاها و پرداخت حقوقی که بر گردن دارد، که به دست آوردن این خصلت‌ها مکرمات‌های این جهان را داشتن است، و فضیلت‌های آن جهان را یافتن^۱.
امام در جای دیگری می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْمَالِ مَا قُضِيَ بِهِ الْحُقُوقُ، بَرْتَرِينَ وَ نِيكَوْتَرِينَ دَارَائِي وَ مَالِ أَنْ اسْتِ كَه بَه وَسِيلَهُ أَنْ حَقُوقِ (الْهِي وَ مَرْدَمِي) ادا شود^۲».

۲- سود رسانی به جامعه

در جامعه‌ای که انتظار از تلاش و کار اقتصادی، فقط سود و بهره‌مندی شخصی نیست، بلکه سود رسانی به جامعه، و رشد و توسعه اقتصادی متوازن در جامعه است. امام علی علیه السلام: «إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا يَخْتَصُّهُمْ بِالنَّعْمِ لِمَنَافِعِ الْعِبَادِ فَيَقْرَهُهَا فِي أَيِّدِيهِمْ مَا بَدَلُوهَا فَإِذَا مَنَعُوهَا تَرَعَهَا مِنْهُمْ ثُمَّ حَوَّلَهَا إِلَى غَيْرِهِ، هَمَانَا خُدا را بندگانی است که آنان را به نعمت‌ها مخصوص کند، برای سودهای بندگان. پس آن نعمت‌ها را در دست آنان وا می‌نهد چندان که آن را ببخشند، و چون از بخشش باز ایستند، نعمت‌ها را از ایشان بستاند و دیگران را بدان مخصوص گرداند^۳». امام در جای دیگری می‌فرماید: «الْمَالُ مَا أَفَادَ الرَّجَالَ، دَارَائِي وَ ثَرُوت، آن است که مردم را سود رساند^۴».

۱. مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۱، ص ۴۱۶.

۲. تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۶۷.

۳. عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۳۲۵.

۴. تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۹۸.

۵. دلشاد تهرانی، ۱۳۹۰، صص ۳۹۸-۳۹۹.

این نشان دهنده این مطلب است که رفاه بیشتر با شرایطی مذموم که نیست مورد تشویق و ترغیب نیز بوده و انسان با تحصیل شرایط لازم می‌تواند بهره بیشتری از ذخایر دنیوی ببرد. شرایطی همچون شکر گذاری و عبادت بیشتر و خدمت به خلق خدا و دستگیری نیازمندان و فقرا و کمک بیشتر به ایشان.

لزوم و یا استحباب رفاه عمومی در سطح گشایش

سطح گشایش و یا توسعه، سطحی از تأمین رفاه است که، یک مرتبه از سطح کفاف بالاتر بوده یعنی فردی که دارای رفاه در سطح کفاف بوده و نیازی به کمک دیگران ندارد، می‌تواند در زندگی خود، خانواده و عیالش توسعه داده و مقداری با رفاه بیشتر زندگی نماید. این سطح از رفاه در روایات مختلفی توصیه شده است. حال آیا این سطح از رفاه، لازم و واجب بوده و یا استحباب دارد؟ آیا سطح رفاه توسعه و گشایش شخصی و فردی از عمومی مجزاست و دارای احکام متفاوتی است؟ در مطالب آینده در این خصوص بحث خود را ادامه می‌دهیم.

الف) دلایل

کتاب

خداوند علاوه بر برخورداری انسان از نعمت‌های الهی، گشایش در زندگی، افزایش رفاه و آسانتر کردن کارها، وسایل کاستن از رنج و زحمت بشر را نیز فراهم ساخته است، به همین جهت می‌فرماید: «وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بِالْغِيَةِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ، و بارهای شما را به شهری می‌برند که جز با مشقت بدن‌ها بدان نمی‌توانستید برسید^۱». وسایل دیگری را برای تسهیل زندگی نوید می‌دهد که بشر در زمان نزول قرآن از آن با خبر نبوده است. بنابراین

۱. سوره نحل (۱۶)، آیه ۷.

انسان اگر خود درصدد آسان‌تر کردن زندگی برآید، نه تنها مورد نکوهش نبوده، بلکه قابل تمجید و ستایش است، به خصوص اگر با این قصد همراه باشد که با استفاده‌ی بیشتر از نعمت‌های الهی اسباب شکر بیشتر او را فراهم کند و فرصت بیشتری برای فراگرفتن معارف الهی و رسیدگی به تهذیب خویش و تربیت دیگران و عبادت خدا پدید آورد.^۱

سنت

اسلام کار و کسب برای توسعه زندگی را سفارش کرده، مانند روایت ابی حمزه عَنْ ابی جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «مَنْ طَلَبَ [الرِّزْقَ فِي] الدُّنْيَا اسْتَعْفَافًا عَنِ النَّاسِ وَ تَوْسِيْعًا عَلٰى اَهْلِيْهِ وَ تَعَطُّفًا عَلٰى جَارِهِ لَقِيَ اللّٰهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ وَجْهُهُ مِثْلُ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ، هر کس برای بی‌نیازی از مردم و توسعه و گشایش بر خانواده‌اش تلاش و کوشش نماید، روز قیامت خدا را ملاقات می‌کند در حالیکه صورتش مانند ماه کامل می‌باشد» و نیز فرموده: «اگر متقی باشید برکات آسمان را بر شما نازل می‌کنم و اگر شکر نعمت کنید نعمت شما افزون کنم». روایات دیگری وجود دارند که دلالت بر توسعه در زندگی و آسان نمودن زندگی برای اهل و عیال فرد مسلمان دارد. روایاتی نظیر «عَنِ الرَّصَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَالَ: قَالَ صَاحِبُ النُّعْمَةِ يَجِبُ عَلَيْهِ التَّوَسُّعَةُ عَنْ عِيَالِهِ»^۲.

از سوی دیگر تقطیر به معنای سخت‌گیری در هزینه‌ی زندگی و تنگ و محدود کردن مخارج با وجود قدرت بر گشایش زندگی را نکوهش کرده و گفته است که در زندگی باید از افراط و تفریط پرهیز و اعتدال را مراعات نمود. «و فی قول الله عزَّ و جلَّ: و کان بین

۱. پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹، ص ۱۲۷.

۲. کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۷۸.

۳. کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۱۱.

ذلک قواما، القوام هو المعروف، علی الموسع قدره و علی المقتر قدره، علی قدر عیاله
ومؤونتهم التی هی صلاح له ولهم^۱».

شخصی به امام صادق علیه السلام گفت: «به خدا سوگند که ما طالب دنیا هستیم و دوست
داریم به آن برسیم، امام پاسخ دادند: می‌خواهی چه کنی؟ گفت می‌خواهم خود و خانواده‌ام
در رفاه باشیم، صله رحم، احسان، حج عمره به جای آورم، امام فرمودند: اینها که گفتی
دنیا طلبی نیست، بلکه آخرت است». آنچه از این نوع احادیث و روایات فهمیده می‌شود
اینکه؛ احسان، بخشش، انفاق، صدقات و حج عمره لازم و واجب نبوده و صرفاً امور
مستحبی شمرده می‌شوند و فردی که از حیث درآمد در سطح کفاف و پایین‌تر باشد امکان
این امور را ندارد. طلب این امور از خداوند یعنی سطح درآمد را بالا برده تا امکان این
امور برای من هم فراهم گردد.

«عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يُوسِّعَ عَلَى عِيَالِهِ كَيْلًا يَتَمَتَّنُوا مَوْتَهُ، امام
رضا علیه السلام فرمودند: مرد باید برای عائله خود توسعه در روزی دهد تا آنان آرزوی مرگ او را
نکنند^۲». تمام راویان این حدیث امامی و عادل هستند و حدیث صحیح‌السند است.

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ الْمُوسِرِ يَتَّخِذُ الثِّيَابَ الْكَثِيرَةَ الْحَيَاةَ
وَ الطَّيَالِسَةَ وَ الْقُمُصَّ الْكَثِيرَةَ يَصُونُ بَعْضَهَا بَعْضًا يَتَجَمَّلُ بِهَا أَيْ كُونَ مُسْرِفًا قَالَ لَا لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ
وَ جَلَّ يَقُولُ لِيُنْفِقْ، (دُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ)، راوی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: هرگاه
مردی ثروتمند، لباس‌های فراوان و مرغوب، رداهای سبز و زیبا و پیراهن‌های زیادی
داشته باشد تا به وسیله برخی از آنها، برخی دیگر را حفظ نماید و بدان‌ها خود را بیاراید،

۱. کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۵۶.

۲. کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۱۱.

اسراف کار به شما می‌آید؟ حضرت فرمود: خیر، زیرا خداوند، فرمود: بر توان‌گر (توسعه) است که از دارایی خود هزینه کند^۱».

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَأْخُذُ بِأَدَبِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا وَسَّعَ عَلَيْهِ اتَّسَعَ وَإِذَا أَمْسَكَ عَلَيْهِ أَمْسَكَ، مُؤْمِنٌ مِنْ أَدَبِ خُداوند عَزَّ وَجَلَّ آدَبِ اخذ می‌کند؛ زمانی که خداوند بر وی وسعت دهد، او نیز در زندگی توسعه می‌دهد و زمانی که بر وی تنگ گیرد، او نیز در زندگی تنگ می‌گیرد^۲». این حدیث نیز صحیح‌السند است.

دعای امام صادق علیه السلام: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ الْفَاضِلِ الْمُفْضَلِ رِزْقًا وَاسِعًا حَالًا طَيِّبًا بَلَاغًا لِلْآخِرَةِ وَالدُّنْيَا هَيِّئْهَا مَرِيئًا، خدایا از فضل گسترده و فراوان تو، روزی واسع، حلال و پاکیزه‌ای می‌خواهم که برای آخرت و دنیا در حد کفاف و گوارا باشد^۳».

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، مِنْ سَعَادَةِ الْمُسْلِمِ سَعَةُ الْمَسْكِنِ وَالْمَسْكِنِ وَالصَّالِحِ وَالْمَرْكَبُ الْهَيْئَةُ، از سعادت و خوشبختی انسان مسلمان، مسکن وسیع و همسایه خوب و وسیله سواری شایسته است^۴». این حدیث گرچه ضعیف‌السند است، اما دلالت آن شبیه روایت دیگر است. بنابراین، افراد باید تلاش کنند تا حد توسعه را برای کسانی که واجب‌النفقة آنان هستند، فراهم نمایند.

علاوه بر توسعه کمی و افزایش امکانات زندگی، تاکید بر بهبود کیفی زندگی نیز شده و دستور داده که زندگی را بیارایید و زیبا سازید. نعمت‌هایی را که خدا به شما داده است، با آراستن خود و زندگی خود نمایان کنید. «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَيُحِبُّ أَنْ يَرَى اثْرَ

۱. کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۴۴۳.

۲. کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۱۲.

۳. کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۵۵۰.

۴. مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۳، ص ۲۸۹.

نعمته علی عبده، خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد و اگر به بنده‌اش نعمتی بدهد دوست دارد که اثر آن نعمت بر او دیده شود^۱. «انَّ الله يحب الجمال و التجمل و يبغض البؤس و التبؤس فان الله اذا انعم على عبده بنعمه احب ان يرى عليه اثرها، خدا زیبایی و زیباسازی را دوست دارد و فقر و فقرنمایی مورد نفرت خداست^۲. بنابراین زیبا سازی و آراستن خود، زندگی، کوچه و خیابان در شهر و روستا، مطلوب و نمایش فقر و بدبختی و بیچارگی و عقب ماندگی منفور است. از مجموع مقدمات این استدلال روشن می‌شود توسعه و گشایش در زندگی شخصی و خانوادگی فرد سرپرست خانوار امری مطلوب و پسندیده و حلال است. لیکن وجوب از آن فهمیده نمی‌شود، بلکه تاکید بر مطلوبیت توسعه و گشایش در زندگی می‌باشد.

«عَنِ الرَّضَاءِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: صَاحِبُ النُّعْمَةِ يَجِبُ عَلَيْهِ التَّوَسُّعُ عَنْ عِيَالِهِ، بر انسان صاحب

نعمت، توسعه بر عائله واجب است^۳».

به نظر می‌رسد آنچه که از مجموع روایات در اینجا مستفاد می‌باشد، استجاب رسیدن به این سطح از درآمد بوده و اینکه اگر فردی در این سطح از رفاه قرار داشته باشد خوب است اما اینکه آیا الزامی در رسیدن به چنین سطحی از رفاه وجود داشته باشد یا نه؟ خیر، چنین الزامی فهمیده نمی‌شود. نهایتاً جواز رسیدن و تلاش برای رسیدن به این سطح از رفاه برداشت می‌شود. البته اگر فردی در این سطح قرار داشت از خوشبختی و وفور رزق و روزی وی بوده که بالتبع وظایفی نیز بر عهده وی می‌آید، که عموم این روایات درصدد بیان وظایف و تکالیف چنین فردی هستند. تنها روایت پایانی است که در آن از لفظ

۱. مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰، ص ۹۲.

۲. مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۳، ص ۱۴۱.

۳. کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۱۱.

۴. پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹، ص ۱۲۸.

«یجب» استفاده شده است که آن هم بیشتر برای ترغیب افراد برای تلاش و کار بیشتر و توسعه بر عیال می‌باشد که شامل مراحل و سطوح پایین رفاه نیز می‌باشد؛ مثلاً برای فردی که در سطح ضرورت قرار دارد، واجب است تلاش خود را نموده تا به سطح بالاتری از رفاه دست یافته و در زندگی عیال خود توسعه دهد.

عدم لزوم رفاه شخصی و فردی در سطح گشایش

بعضی از روایات دلالت دارند بر این مطلب که داشتن سطح غنا و رفاه فردی در سطح کفاف مطلوب و مورد پسند بوده و زیادی اموال و دارایی فرد در رفاه عمومی جامعه هزینه شود. اگر دارایی برای تأمین کافی انسان به کار آید، و زیاده بر آن برای تأمین جامعه به کار رود، تا اندازه‌ای برای تأمین عدالت اقتصادی گام بر داشته شده است. البته لازمه‌ی آن، زندگی با غنای کفافی افراد در زندگی شخصی و زیست فردی، و بهره‌مندی از زیادی دارایی برای رفاه عمومی است.^۱ امام علی علیه السلام می‌فرماید: «يَا بَنَ آدَمَ، مَا كَسَبْتَ فَوْقَ قَوَّتِكَ فَأَنْتَ فِيهِ خَازِنٌ لِّغَيْرِكَ، أَيُّ فِرْزَنَدِ آدَمَ! أَنِ چَه رَا بِيْش از حَدِّ نِيْز خُوِيْش كَسَب مِي كُنِي، بَرَايِ دِيْگَرَانِ ذَخِيْرَه مِي نَمَائِي.» «خَيْرُ أَمْوَالِكَ مَا كَفَاكَ، بَهْتَرِيْنِ دَارَائِي تُو آن است كه بِي نِيْزَت كَنَد.» به تعبیر دیگری انسان باید خود را از گنجینه و کنسازي و جمع آوري مال و گنج برای دیگران، رها نموده و به اندازه کافی و سطح کفاف در زندگی شخصی بسنده نموده و زیادی مال و ثروت را در راه رفاه عمومی و همگانی هزینه نماید. امام سجاد علیه السلام در دعای ۲۰ صحیفه سجادیه می‌فرماید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ تَوَجَّعِي بِالْكَفَايَةِ... وَ لَا تَفْتِنِّي بِالسَّعَةِ، وَ اْمُنْحِنِي حُسْنَ الدَّعَةِ، وَ لَا تَجْعَلْ عَيْشِي كَدًّا كَدًّا، ... خدایا تاج کفاف را بر من قرار بده... و مرا با توسعه در روزی آزمایش مکن.» امام در این دعا از خدای متعال کفاف را می‌طلبد، ولی می‌خواهد او را با این نعمت (توسعه و گشایش)

۱. دلشاد تهرانی، ۱۳۹۰، ص ۴۴۴.

آزمایش نکند. از این دعا و بیان مشخص می‌شود کفاف و توسعه (گشایش) در این روایت به دو مفهوم اشاره دارد و دو مفهوم مجزای از همدیگر هستند. در نتیجه این دو (کفاف و توسعه)، دو مرحله جدای از هم هستند، علی‌رغم نظریه بعضی که این دو مرحله را یکی دانسته و می‌گویند سطح توسعه و گشایش همان سطح کفاف است. قسمی از روایات که بر توسعه و گشایش در زندگی دلالت دارد:

عَنِ الرَّضَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: صَاحِبُ النَّعْمَةِ يَجِبُ عَلَيْهِ التَّوَسُّعُ عَلَى عِيَالِهِ.

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يُوسِّعَ عَلَى عِيَالِهِ كَيْلَا يَتَمَنَّؤُا مَوْتَهُ وَتَلَا هَذِهِ الْآيَةَ وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا قَالَ الْأَسِيرُ عِيَالُ الرَّجُلِ يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ إِذَا زِيدَ فِي النَّعْمَةِ أَنْ يَزِيدَ أُسْرَاءَهُ فِي السَّعَةِ عَلَيْهِمْ ثُمَّ قَالَ إِنَّ فُلَانًا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَمَنْعَهَا أُسْرَاءَهُ وَجَعَلَهَا عِنْدَ فُلَانٍ فَذَهَبَ اللَّهُ بِهَا قَالَ مُعَمَّرٌ وَكَانَ فُلَانٌ حَاضِرًا.

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرَّضَاءُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يُوسِّعَ عَلَى عِيَالِهِ لِيَلَّا يَتَمَنَّؤُا مَوْتَهُ.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَأْخُذُ بِأَدَبِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا وَسَّعَ عَلَيْهِ اتَّسَعَ وَإِذَا أَمْسَكَ عَلَيْهِ أَمْسَكَ.

قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ عِيَالَ الرَّجُلِ أُسْرَاؤُهُ فَمَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَلْيُوسِّعْ عَلَى أُسْرَائِهِ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ أَوْشَكَ أَنْ تَزُولَ النَّعْمَةُ.^۱

آنچه از مجموع روایات استفاده می‌شود، مطلوبیت و پسندیده بودن توسعه و گشایش در زندگی شخصی و خانوادگی فرد سرپرست خانوار می‌باشد، لیکن وجوب و الزامی از آن فهمیده نمی‌شود، بلکه تأکید بر مطلوبیت توسعه و گشایش در زندگی شخصی است.

امکان تأمین رفاه در سطح گشایش توسط دولت اسلامی

حضرت علی علیه السلام در خطبه ۴۰ نهج البلاغه، نتیجه همه اقدامات حاکم و دولت را رفاه و آسایش مردم می‌شمارند: «حتی یستریح برّ و یستراح من فاجر، تا نیکوکار در رفاه و از دست فاجر در آسایش باشد» در نتیجه هدف دولت از مجموع سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها باید رفاه عمومی و آسایش همه مردم باشد. همچنین آن حضرت در نامه ۵۳ نهج البلاغه و در سفارش به مالک اشتر، هیچ گروهی از مردم را در بهره‌مندی از امکانات مادی و رفاهی فراموش نکرده و به ایشان امر می‌کند، باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کند تا همه مردم از امکانات مادی و رفاهی بهره‌مند شوند.^۱ حضرت در این نامه تأکید می‌کنند: «وفی الله لکلّ سعۀ و لکلّ علی الوالی حقّ بقدر ما یصلحُه، نزد خدای تعالی برای تمام مردم گشایش و رفاه قرار داده شده است و تمام مردم بر حاکم حق دارند، چندان که امور آنان را سامان دهد». حضرت علی علیه السلام اولاً هیچ انسان تحت حکومت اسلامی را در بهره‌مندی از امکانات و رفاه مادی و رسیدن سطح زندگی‌اش به حد رفاه و آسایش مستثنا نکرده‌اند و ثانیاً این امر را وظیفه حکومت دانسته‌اند.

امام علی علیه السلام زمانی که خود حکومت را به دست گرفت، رفاه عمومی را هدف اقتصادی دولت و حکومت خود اعلام و هم به والیان خود دستور می‌دهند در راستای این هدف حرکت کنند، همانطور که در نامه ۵۳ نهج البلاغه، آن حضرت خطاب به مالک اشتر چنین دستوراتی را می‌دهند و تأمین وسعت در زندگی را زمینه، زندگی مناسب و تقوا و

پرهیزگاری در کارها برشمرده‌اند: «ثُمَّ أَسْبَغَ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقَ فَإِنَّ ذَلِكَ قُوَّةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِصْلَاحِ أَنْفُسِهِمْ وَغَنَى لَهُمْ عَنِ تَنَاوُلِ مَا تَحْتَ أَيْدِيهِمْ، آن‌گاه، روزی‌ها را به فراوانی بر سرشان فروریز، زیرا چنان کاری برای آنان نیرویی است که با آن خواستار اصلاح خود می‌شوند، و وسیله‌ای است برای بی‌نیازکردنشان از دست‌درازی به دارایی‌هایی که در زیر دستشان دارند».

امام علی علیه السلام هیچ‌یک از افراد جامعه را در بهره‌مندی از مواهب رفاه در دولت اسلامی محروم ننموده و به والیان خود نیز چنین دستور می‌دهند و بهره‌مندی از رفاه در سطح توسعه و گشایش را از حقوق مردم می‌دانند که بر عهده‌ی حاکم اسلامی است. ایشان توسعه و گشایش را ودیعه و حقی از سوی حضرت حق برای آحاد جامعه دانسته و برای تحقق آن به والیان خود توصیه می‌نمایند: «وَفِي اللَّهِ لِكُلِّ سَعَةٍ وَلِكُلِّ عَلَى الْوَالِي حَقٌّ بِقَدْرِ مَا يُصْلِحُهُ». آنچه از این بیانات و فرمایشات امام فهمیده می‌شود که خود به مدت کوتاهی به خلافت ظاهری رسیدند و فعل و عمل ایشان نیز مؤید این مطلب است که، امکان تأمین رفاه عمومی در سطح توسعه و گشایش از سوی دولت اسلامی وجود دارد.^۱

لزوم و یا استحباب تأمین رفاه در سطح گشایش توسط دولت اسلامی

آنچه در مباحث قبلی آمد اینکه رفاه عمومی در سطح گشایش و توسعه امری پسندیده و مطلوب شارع مقدس است. رسیدن و دستیابی به این سطح از رفاه در زندگی شخصی و رفاه فردی اگرچه امری مطلوب و پسندیده است، لیکن بیش از استحباب از آن فهم نشد و لزوم آن به اثبات نرسید. از سوی دیگر امکان تأمین این سطح از رفاه از طرف دولت اسلامی مورد بررسی قرار گرفت و امکان آن به مرحله اثبات رسید. حال سؤال این است آیا دستیابی به توسعه و گشایش در سطح عموم بر دولت اسلامی واجب است و یا امری مطلوب و پسندیده و نهایتاً استحباب آن فهمیده می‌شود؟ در مطالب پیش رو دلایلی

آورده می‌شود که قصد دارد لزوم دستیابی به رفاه عمومی در سطح توسعه و گشایش از سوی دولت اسلامی را به اثبات برساند.

دلایل

سنت

روایات زیادی وجود دارد که توسعه و گشایش در زندگی فرد مسلمان را از سعادت و خوشبختی او دانسته و فرد مسلمان را به تلاش و کار بیشتر دعوت کرده و رفاه بیشتر را امری پسندیده و مطلوب معرفی می‌نماید. مانند این روایت و روایات دیگری که قبلاً به تعدادی از آن‌ها اشاره شد: «عَنْ تَافِعِ بْنِ عَبْدِ الْحَارِثِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، مِنْ سَعَادَةِ الْمُسْلِمِ سَعَةُ الْمَسْكِنِ وَالْجَارِ الصَّالِحِ وَالْمَرْكَبِ الْهَيْبِيِّ،» از سعادت و خوشبختی انسان مسلمان، مسکن وسیع و همسایه خوب و وسیله سواری شایسته است^۱ و «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مِنَ السَّعَادَةِ سَعَةُ الْمَنْزِلِ، وَسَعَتُ وَفَرَاخِي مَنْزِلٍ مِنْ خَوْشِبَخْتِي فَرْدٍ اسْت.» بنابراین، افراد باید تلاش کنند تا حد توسعه را برای کسانی که واجب النفقه آنان هستند، فراهم نمایند و در نتیجه تلاش ایشان نیز تلاشی مقدس و نیکو می‌باشد.

با این دسته از روایات مطلوبیت و استحباب تلاش فرد مسلمان برای رسیدن به این سطح از رفاه فهمیده و به اثبات رسید. حال باید گفت اگر مقدمات و شرایط رسیدن به این سطح از رفاه از سوی دولت اسلامی فراهم نباشد و دولت اسلامی وظیفه خود نداند، مسلماً اگر نگوئیم رسیدن به این سطح محال است حداقل باید گفت بسیار دشوار و صعب الوصول خواهد بود. پس وظیفه دولت اسلامی در ایجاد بسترهای موجه برای امکان تأمین این سطح از رفاه روشن و هویداست. چرا که اگر دولت اسلامی وظیفه‌ای در این

خصوص نداشته باشد طبعاً اقدامی هم برای ایجاد بستر و شرایط مناسب برای رسیدن مردم به این سطح از رفاه، انجام نداده و اصولاً خود را مکلف به چنین اقداماتی نمی‌داند که بخواهد اقدامی داشته باشد. در نتیجه تأمین رفاه در سطح گشایش و توسعه بر دولت اسلامی لازم و واجب است.

عقل

استدلال به رحمت فراگیر پیامبر اسلام

قرآن رسالت پیامبر را رحمتی فراگیر برای تمام انسانها می‌داند، برخی از تجلیات این رحمت صراحتاً در قرآن بیان شده‌اند که از آن جمله است:

الف) ایجاد «زندگی نیکو» یا همان حیات طیبه و رفاه یا فلاح: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ، هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مومن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیاتِ حقیقی [بخشیم، و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد]».

ب) تأمین آسایش و تخفیف دشواری‌ها: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَ مَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ، ماه رمضان [همان ماه] است که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است، [کتابی] که مردم را راهبر، و [متضمن] دلایل آشکار هدایت، و [میزان] تشخیص حق از باطل است. پس هر کس از شما این ماه را درک کند باید آن را روزه بدارد، و کسی که بیمار یا در سفر است [باید به شماره آن] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد]. خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد».

۱. سوره نحل (۱۶)، آیه ۹۷.

۲. سوره بقره (۲)، آیه ۱۸۵.

ج) تعمیم سعادت: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ، و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم^۱».

د) رها کردن انسان از گرسنگی و ترس: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّن كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعِمِ اللَّهُ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ، و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود، روزیش از هر سو فراوان می‌رسید، پس نعمتهای خدا را ناسپاسی کردند، و خدا هم به سزای آنچه انجام می‌دادند، طعم گرسنگی و هراس را به آنان چشانید^۲».

ه) رها کردن انسان از اضطرابات روحی: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ، همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد^۳».

این تجلیات که با تعابیری همچون حیات طیبه و فلاح آمده در واقع همان رفاه است، حیاتی که فاقد اضطرابات و تألمات روحی و روانی بوده و افراد در آن با آرامشی مثال زدنی در فکر رسیدن به سعادت هستند که هدف رسالت پیامبر اسلام است. رفاهی که اتفاقاً استثنایی هم نداشته و شامل همه‌ی آحاد جامعه است.^۴ حال وقتی رسالت پیامبر در ابلاغ اسلام و تشکیل حکومت اسلامی چنین بوده آیا سزاوار است دولتی داعیه دار اسلام و تشکیل دولت اسلامی باشد و اهدافی غیر از رسالت پیامبر خود داشته باشد. بنابراین دولت اسلامی، باید ویژگی رحمت را از خود بروز دهد و رفاه تمام مردم را فراهم

۱. سوره اعراف (۷)، آیه ۹۶.

۲. سوره نحل (۱۶)، آیه ۱۱۲.

۳. سوره رعد (۱۳)، آیه ۲۸.

۴. خورشید، ۱۳۷۴، صص ۲۰۰-۲۰۱.

کند. آنچه از این استدلال فهمیده می‌شود بیشتر در حد استحباب بوده و لزوم تأمین رفاه در این سطح برداشت نمی‌شود.

استدلال به مصلحت مسلمین

در این خصوص بعضی از نظرات فقهاء معظم را به عنوان نمونه و مقدمه می‌آوریم:

الف. «کانت الجزیه علی عهد رسول الله ﷺ عطاء المهاجرین، و هی من بعده لمن قام مع الامام مقام المهاجرین، فیما یراه الامام من مصالح المسلمین».

ب. «کان المستحق للجزیه علی عهد رسول الله ﷺ، المهاجرین دون غیرهم، علی ما روی و هی الیوم لمن قام مقامهم، مع الامام فی نصرۃ الاسلام و الذب عنه، و لمن یراه من الفقراء و المساکین، من سائر المسلمین». آنچه از فرمایشات فقهاء در این باب برداشت می‌شود امام و حاکم اسلامی می‌تواند جزیه دریافتی را در اموری که آن را مصلحت مسلمانان می‌داند هزینه کند. این مصالح شامل هزینه برای فقرا و مساکین و موارد دیگری که مصلحت است را شامل می‌شود.^۱ در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که مصالح مسلمانان چیست؟ آیا موارد رفاهی برای مسلمانان نیز از مصالح ایشان است؟ آیا تأمین رفاه عمومی در سطح گشایش و توسعه نیز از مصالح مسلمین است؟

بی تردید می‌دانیم احکام الهی بر اساس مصالح مردم و برای سوق دادن فرد و جامعه به سوی سعادت واقعی آنها وضع شده است. از دیدگاه اسلام هرچه فرد و جامعه را در حرکت به سوی سعادت و اهداف مورد نظر خداوند حکیم سوق دهد، مصلحت و گرنه دارای مفسده و زیانبار است. اصل مالکیت خصوصی نیز از آنجا که دارای خاستگاه فطری، عقلایی و اجتماعی بوده جایز بوده و از این قاعده مستثنی نیست. این اصل نیز دارای

۱. قاسمی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۸۷.

مصالح و تعیین حدود و قیودی است. رعایت مصالح مالک، از این حیث که در جهت حفظ منافع و مصالح خود مالک باشد، برای مثال سفیه و مجنون نمی‌تواند در مال خود تصرف کند. رعایت مصالح فرد دیگر، در اسلام حق مالکیت به شرط عدم اضرار به دیگری مشروط شده است. به این جهت است که قاعده مهمی به نام لا ضرر و لا ضرار در فقه جاری و ساری بوده، قاعده‌ای که بر همه احکام اولیه مقدم است و براساس آن تصرفات مالک تا جایی که موجب زیان به دیگران نشود، جایز است.

رعایت مصالح اجتماعی و عموم مسلمانان به این معنی است که هدف غایی نظام اسلامی اعتدالی معنوی انسان‌هاست و مصلحت عموم مسلمانان نیز حرکت در جهت این اهداف است؛ حال هر آنچه در راه رسیدن به این مصلحت مفید و مقوم آن باشد مصلحت مسلمانان بوده، امری پسندیده و مورد نیاز دولت اسلامی برای نیل به آن مصلحت می‌باشد.^۱ در دنیایی که دولت‌های مختلف با گرایش‌های ضددینی و دینی، در صدد هر چه بیشتر کردن رفاه مادی مردم خود هستند، به نظر می‌رسد مصلحت دولت اسلامی که داعیه‌دار دین می‌باشد ایجاب می‌کند تلاش خود را در تأمین رفاه عمومی در سطح توسعه و گشایش نماید، البته در چارچوب بایدها و نبایدهای شرعی.

رقابت بین‌المللی نظام اقتصادی

اگر نظام اقتصادی اسلام رشد اقتصادی را دنبال نکند، اقتصاد کشور ممکن است در رقابت با اقتصادهای دنیا عقب بماند. دولت اسلامی افزون بر اینکه مجاز است در سطح توسعه و گشایش فعالیت نموده و در خصوص تأمین سطح رفاه عمومی در این سطح فعالیت نماید، لازم است دائماً برای رشد اقتصادی برنامه‌ریزی داشته باشد. برای روشن شدن موضوع توجه به این نکات لازم است:

۱. میرمعزی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۱۵۳.

۱) زندگی انسان‌ها با سکون و رکود مواجه نبوده و همیشه در حال دگرگونی و تغییر است و ایشان همیشه با نیازهای جدیدی مواجه است. این نیازهای جدید باعث می‌شود تا به طور مرتب حدّ و سطح فقر مطلق و فقر نسبی در حال افزایش باشد. بنابراین، حد کفاف مصرف و توسعه نیز در حال تغییر و افزایش همیشگی و مرتب است. متناسب با این تغییر و افزایش باید همیشه رشد اقتصادی در جامعه وجود داشته باشد تا با توزیع عادلانه درآمد، رفاه در حد کفاف و توسعه برای عموم مردم حفظ شود. برای مثال شاید زمانی داشتن خودرو برای هر خانوار، سطح کفاف از زندگی را شامل شود ولی با پیشرفت و توسعه جامعه و در یک جامعه داشتن خودرو برای هر نفر سطح کفاف باشد و عدم این امکان را فقر محسوب نمایند. در نتیجه تغییر و دگرگونی و پیشرفت هر جامعه در لحظه و زمان بوده و هر زمان بسته به شرایط آن زمان، سطوح را معین و مشخص می‌سازد و برای همه‌ی زمان‌ها نمی‌توان نسخه واحد پیچید.

۲) مطلوبیت حد کفاف و توسعه به لحاظ مصرف است و مصرف بیش از حد کفاف و توسعه جایز نیست؛ اما این امر بدان معنا نیست که درآمد بیش از این حدود جایز نباشد، بلکه لازم است هم افراد و هم متصدیان نظام اقتصادی اسلام برنامه‌های دقیقی برای رشد و درآمد اقتصادی داشته باشند تا ثروت و درآمدهای جامعه اسلامی با رشد مطلوب دائمی مواجه باشد. مردم و نظام اقتصادی اسلام، افزون بر وظایفی که در محدوده مرزهای ملی دارند، در برابر سایر مسلمانان و حتی غیرمسلمانان با رسالت‌هایی مواجه هستند. ایفای رسالت‌ها نیازمند منابع مالی است که از درآمدهای مازاد بر مصرف کفاف و گشایش، برای ایفای رسالت‌های خود در عرصه بین‌المللی باید استفاده کند. بنابراین، نظام اقتصادی برای رشد مناسب اقتصادی و به دنبال آن تأمین رفاه عمومی در سطح گشایش و توسعه، باید به طور دائم برنامه‌ریزی شایسته و اقدام مناسب داشته باشد. پس می‌توان گفت این استدلال به روشنی لزوم و وجوب فعالیت دولت اسلامی برای برقراری رفاه عمومی در سطح گشایش را به اثبات می‌رساند.

تزامم تأمین رفاه عمومی در سطح گشایش با دیگر وظایف دولت اسلامی

می‌دانیم علمای اصول فقه معیار تقسیم‌بندی التزام را در معذور قرار گرفتن مکلف هنگام امتثال دو امر و حکم الزام آور می‌دانند یعنی جایی که انجام یکی موجب ترک دیگری می‌شود و می‌فرمایند: «و هنا یقع التزام بین الحکمین و طبعاً إنما یفرض ذلك فیما إذا كان الحکمان إلزامیین» التزامی که بین دو حکم در موقع امتثال فرض می‌شود، جایی است که هر دو حکم الزام آور باشند و سر پیچی از آنها عقاب داشته باشد. حال در بحث ما، در مطالب گذشته الزام دولت اسلامی در تأمین رفاه عمومی در سطح توسعه و گشایش، به اثبات رسید، حال اگر این وظیفه با دیگر وظایف دولت اسلامی در التزام باشد، تکلیف چیست؟ آنچه باید گفت همان است که در فصول گذشته نیز بیان شد و آن اینکه از آنجایی که رفاه عمومی هدف عالی اقتصادی دولت اسلامی به حساب می‌آید لذا هر آنچه از وظایف دولت که در طبقه پایین‌تر از هدف عالی باشد، جنبه‌ی مقدمی داشته و در نتیجه تأمین رفاه عمومی در اولویت قرار دارد.^۱ مگر اینکه از لحاظ اهمیت هم‌وزن و یکسان باشند و مرجح و اولویتی هم در کار نباشد که تخییر دولت اسلامی را موجب می‌شود.

سطح غیر ضرور سطح تجمل و اسراف

در حرمت اسراف و تجمل‌گرایی هیچ شک و شبهه‌ای وجود ندارد. در خصوص مبانی فقهی آن نیز ادله‌ای مورد اشاره فقهاء قرار گرفته که از این قرار است.

الف) عقل

(۱) یکی از ادله حرمت اسراف می‌تواند حکم عقل باشد. مفهوم اسراف تجاوز از حدی است که عقلا و خردمندان تقبیح می‌کنند. بنابراین آنچه مورد تقبیح خردمندان است از

نظر عقل نیز قبیح خواهد بود و پر واضح است آنچه را عقل حکم به تقبیح آن نماید، شرع و شارع مقدس نیز حکم به تقبیح آن می‌نماید.

۲) به سبب تزییع نعمت‌هایی که خداوند برای تأمین معاش مردم آفریده است. نعمت‌های خداوند برای تأمین نیازهای واقعی بشر آفریده شده تا به وسیله این نعمت‌ها، آدمی دچار مشکل و سختی نشود. از طرفی افرادی با رفتار مسرفانه و خارج از اعتدال خود، نعمت‌های الهی را در خارج از چارچوب نیاز خود مصرف نموده و باعث تزییع این نعمت‌ها می‌شوند. تزییع نعمت سبب می‌شود دیگر افراد بشر به نعمت‌های الهی دسترسی نداشته باشند و موجب سختی ایشان شود. پس به دلیل رفتار ناصواب عده‌ای، نعمت‌های الهی تزییع می‌شود. به همین سبب اسراف حرام است.

ب) کتاب

در قرآن آیات متعددی - تعداد ۲۳ آیه - دال بر حرمت اسراف وجود دارد که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود:

(۱) «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرِ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ، و اوست کسی که باغ‌هایی با داربست و بدون داربست، و خرما بُن، و کشتزار با میوه‌های گوناگون آن، و زیتون، و انار، شبیه به یکدیگر و غیر شبیه پدید آورد. از میوه آن چون ثمر داد بخورید، و حق آن را روز بهره‌برداری از آن بدهید، و زیاده‌روی مکنید که او اسرافکاران را دوست ندارد»^۱.

۱. سوره انعام(۶)، آیه ۱۴۱.

(۲) «وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ، وَفِرْمَانَ افْرَاطِغْرَانَ رَا پِیْرُوْی مَکْنِیْدُ»^۱.

(۳) «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ، چِرا که خِدا کِسی رَا که افِراطِکار دروغزن باشد هِدایت نمی کند»^۲.

ج) سنت

در حرمت اسراف احادیث متعددی وجود دارد که اشاره به همه آنها در این موجز میسر نیست و به تعداد محدودی اشاره می کنیم.

(۱) عن ابی عبدالله علیه السلام: «قال: و فی غیر آیه من کتاب الله: «انه لا یحب المسرفین» فنهاهم عن الاسراف و نهاهم عن التقتیر... ان اصنافا من امتی لایستجاب لهم دعائهم... و رجل رزقه الله مالا کثیرا فانفقہ ثم اقبل یدعو: یا رب ارزقنی. فیقول الله عزوجل: الم ارزقک رزقا واسعا فهل اقتصدت فیہ کما امرتک و لم تسرف و قد نهیتک عن الاسراف؟، امام صادق علیه السلام ضمن حدیثی طولانی می فرماید: خداوند در بسیاری از آیات فرموده است که مسرفان را دوست ندارد. پس آنان را از اسراف و تقتیر (سختگیری) منع کرده است... رسول خدا فرموده: دعای چند گروه از امت من مستجاب نمی شود... از جمله مردی که خداوند رزق فراوان به او داده و او همه آنها را انفاق کرده، سپس از خداوند طلب رزق می کند. خداوند در پاسخ می گوید: مگر به تو رزق واسع ندادم، پس چرا میانه روی و اعتدال را پیشه نکردی و چرا اسراف کردی در حالی که تو را از اسراف نهی کردم»^۳.

۱. سوره شعراء (۲۶)، آیه ۱۵۱.

۲. سوره مؤمنون (۲۳)، آیه ۲۸.

۳. کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۶۷.

۲) عن ابی عبدالله علیه السلام: «انه قال لرجل: اتق الله و لاتسرف و لاتقترو لکن بین ذلک قواما. ان التبذیر من الاسراف، امام صادق علیه السلام خطاب به مردی فرمود: تقوای الهی پیشه کن؛ اسراف و سخت گیری نکن؛ میان اسراف و سخت گیری، قوام و اعتدال است^۱».

۳) روایت صدوق در عیون اخبار الرضا، درباره گناهان کبیره است. حضرت در نامه‌ای به مامون پس از تعریف ایمان می فرماید: «واجتناب الکبائر و هی قتل النفس التی حرم الله تعالی... و الاسراف و التبذیر...» [ایمان عبارت است از] دوری از گناهان کبیره و آنها عبارت‌اند از: کشتن انسانی که خونس محترم است... و اسراف و تبذیر^۲».

د) قواعد فقهی

در اثبات حرمت اسراف قواعدی از فقه نیز قابل بهره برداری و استفاده است که می‌توان به وسیله آنها، حرمت اسراف به اثبات رساند:

قاعده لاضرر

بر اساس این قاعده، هیچ کس نمی‌تواند فعالیتی را که به زیان دیگری بینجامد، انجام دهد و در صورتی که مسبب زیان دیگری شود ولو این که این کار او به منظور اعمال حق خویش باشد، ضامن جبران زیان وارده است؛ به همین جهت هر کس، که با مصرف و استفاده از منابع طبیعی باعث تضییع حقوق دیگران شود، بر اساس این قاعده ضامن بوده و دولت موظف است به نمایندگی از عموم مردم، به اعمال حق آنان بپردازد.

قاعده اتلاف

بر اساس این قاعده، هر گاه کسی مال دیگری را از بین ببرد یا آن را از مالیت بیندازد، ضامن جبران آن است و در این مسأله شریک بودن خود فرد در آن مال تفاوتی ایجاد

۱. کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۵۰۱.

۲. کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۲۸۰.

نمی‌کند؛ یعنی اگر کسی در دارایی که با دیگران شریک است بدون اجازه آنها تصرف کند، در خسارتی که به آن وارد می‌کند ضامن است. با توجه به سهیم بودن همه انسان‌ها در منابع طبیعی و نعمت‌های الهی، شخص بهره بردار نمی‌تواند زمینه‌های تخریب، استفاده غیربهبینه و صدمه زدن به این منابع را ایجاد کند. در غیر این صورت، در برابر حقوق دیگران ضامن خواهد بود.

نتیجه

اگر انسان خودسازی کرده و به گونه‌ای خود را تربیت و تهذیب کند که بالاترین رفاه و افزون شدن نعمت، موجب غفلت وی از خدا و یاد مرگ نگردد، حتی رفاه بیشتر، موجب شکر بیشتر و عبادت زیادتر خداوند شود، نه تنها رفاه و راحت بیشتر مذموم نیست که مورد تشویق نیز هست و به همین دلیل است که در بعضی از روایات حد بالاتر از حد کفاف نیز سفارش و توصیه شده است. به نظر می‌رسد آنچه که از مجموع روایات در این باب مستفاد می‌باشد، استحباب رسیدن به سطح توسعه و گشایش، از درآمد شخصی بوده و اینکه اگر فردی در این سطح از رفاه قرار داشته باشد خوب است اما اینکه آیا الزامی در رسیدن به چنین سطحی از رفاه وجود داشته باشد یا نه؟ خیر، چنین الزامی فهمیده نمی‌شود. نهایتاً جواز رسیدن و تلاش برای رسیدن به این سطح از رفاه در زندگی شخصی افراد برداشت می‌شود. در ادامه مباحث با استناد به روایات و ادله عقلی که مهم‌ترین آن‌ها، استدلال به مصلحت مسلمین و نیز رقابت بین‌المللی نظام اقتصادی، لزوم تأمین رفاه عمومی در سطح توسعه و گشایش از سوی دولت اسلامی به اثبات رسید. بنابراین، دولت اسلامی برای رشد مناسب اقتصادی و به دنبال آن تأمین رفاه عمومی در سطح گشایش و توسعه، باید به طور دائم برنامه‌ریزی شایسته و اقدام مناسب داشته باشد. در پایان نیز با استناد به کتاب و سنت و ادله عقلی حرمت سطح اسراف و تجمل‌گرایی به اثبات رسید.

منابع

- قرآن کریم.
۱. پژوهشکده حوزه و دانشگاه، (۱۳۷۹)، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، سمت، چاپ سوم.
 ۲. خورشید احمد، (۱۳۷۴)، مطالعاتی در اقتصاد اسلامی، مهدوی محمد جواد، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول.
 ۳. دلشاد تهرانی مصطفی، (۱۳۹۰)، تراز حیات، تهران، دریا، چاپ اول.
 ۴. قاسمی محمد علی، (۱۳۸۴)، فقیهان امامی و عرصه های ولایت فقیه، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول، جلد دوم.
 ۵. میرمعزی سیدحسین، (۱۳۸۸)، نظام اقتصادی اسلام، تهران، کانون اندیشه جوان، چاپ دوم، ج ۳.
 ۶. یوسفی احمد علی، (۱۳۸۷)، نظام اقتصادی علوی مبانی، اهداف و اصول راهبردی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ سوم.
 ۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶)، غررالحکم و دررالکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، چاپ اول.
 ۸. حرّ عاملی، (۱۴۰۹ ه.ق)، وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، چاپ اول.
 ۹. کلینی، یعقوب بن اسحاق، (۱۳۶۵)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
 ۱۰. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴ ه.ق)، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
 ۱۱. یوسفی، احمد علی، (۱۳۶۵)، ابهام در اهداف نظام اقتصادی اسلام و ساماندهی آن، مجله اقتصاد اسلامی، سال ششم، پاییز ۱۳۸۵.